

جمعی از هواداران سازمان فداییان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور) انتخابات و مواضع منتقدانه ما

Thu 4 06 2009

بار دیگر، انتخاباتی دیگر در نظام جمهوری اسلامی، اپوزیسیون را به واکنشهایی متفاوت واداشته است. اگرچه موضعگیریهای مختلف و متفاوتی از طرف نیروهای سیاسی اپوزیسیون در قبال انتخابات اتخاذ گردیده، ولی اندکی تعمق در این بلبشوی سیاسی بیانگر دو خطمشی اصلی است، "مشارکت یا تحریم". البته گروهی نیز سعی بر آن داشتند بادوری از هردو خط فوق طرح سومی را ارائه نمایند. بررسی ادعا و عملکرد این جریان خود حاوی درسهایی است. برای پرداختن به موضوع انتخابات، اینبار لازم دیدیم با نقد دیدگاههای مطرح در حوزه انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، اعلام موضع نمائیم. از نظر ما میتوان با کمی اغماض از دامنه تفاوتها کاسته و آنها را به سه دسته محدود نمود:

۱- طرفداران تز "انتخاب بد از میان بد و بدتر"

۲- طرفداران انتخابات مطالبه محور

۳- طرفداران تحریم

انتخاب بد از میان بد و بدتر

طرفداران این تز معتقدند فعلاً که راه برون رفتی از حصار تنگ و بلند جمهوری اسلامی متصور نمیشد، اپوزیسیون بهتر است با وارد شدن به بازی جناحهای حکومتی، فضا را برای ادامه حیات خود تلطیف نماید. اینان خود بر این اعتقاد نیستند که جناحهای موجود میتوانند تغییراتی اساسی و بنیادین در نظام جمهوری اسلامی بوجود آورند. ولی با این حال معتقدند بسان سی سال گذشته بایستی باز هم "از بین بد و بدتر، بد را انتخاب نمود." مثال عینی و تکراری این طیف مقایسه احمدینژاد و خاتمی است. و اینکه در زمان خاتمی فضای سیاسی و مطبوعاتی کشور نسبتاً باز و امکان فعالیتهای قانونی و علنی میسر بود. در حالی که با آمدن احمدینژاد این فضا و موقعیت از دست رفت. طرفداران این تز تحریمگران را مقصر اصلی انتخاب احمدینژاد و میلیتاریزه شدن کشور میدانند.

بزعم آقایان، مردم و اپوزیسیونی که انتخابات را تحریم کرده و از کاندیدای "بد" اینان در مقابل کاندیدای "بدتر" حمایت نمودند، مستحق سرزنش و تقبیحاند. بی آنکه در پی انکار تفاوت آن دو باشیم، میخواهیم بررسی کنیم چرا آن ۲۲ میلیونی که به کاندیدای اصلاحطلبان رأی داده بودند، به این سرعت از آنان روی برتافتند؟ آیا شما بر آن نیستید که این رویداد سیاسی را ریشهایی نمائید؟ آقایان اگر ضرورتی برای چنین کاری لازم بدانند، مطمئناً موضوعی است مربوط به بعد از انتخابات و فعلاً باید به فکر داغ کردن تنور انتخابات و جمع کردن رأی برای کاندیدای اخته اصلاحطلبان بود. کاندیدایی که به اصولگرایی خود بیشتر از اصلاحطلبیاش تأکید مینماید! اگر اینان در انتخابات شرکت میکنند تا با انتخاب موسوی یا

کروبی بجای ۱۰۰ ضربه شلاق ۹۹ ضربه را متحمل شوند، ما تنها میتوانیم به هوش و ذکاوتشان غبطه بخوریم!!! جمعی از این حضرات برآنند که رأی دادن حق ماست و نبایستی به آسانی خود را از حق مسلم خویش محروم سازیم. گویا رأی ندادن حق ما نیست، و ما اگر تصمیم به رأی ندادن بگیریم این نه تصمیم ما بلکه اراده جناح اصولگرایان است که ما آن را به اجراء میگذاریم. البته ما نیز مانند میلیونها شهروند ایرانی اعتقاد داریم شرکت در انتخاباتی که حداقل مبنای دمکراتیک در آن رعایت گردیده و رأی دادن در چنین شرایطی حق ماست. اما خارج از اراده ما، بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی خصوصاً مواد "۵- ۵۷- ۱۰۹- ۱۱۰- ۱۱۳- ۱۵۷" و قانون انتخابات مصوب مجلس رژیم، این حق از ما سلب گردیده است. از ما و اکثریت مردم تنها بعنوان ماشینهای بی ارادهای که مؤظفند از هر چهار سال یکبار در نمایش مضحک و تکراری بیعت با ولی فقیه به نام انتخابات شرکت نموده و رأی خود را به نفع یکی از چند برگزیده شورای نگهبان در صندوقهای رأی بریزند، استفاده ابزاری میگردد. ما هم میخواهیم در انتخابات شرکت کنیم، ولی در نظر داریم به کاندیدایی غیر از این چهار نفر رأی دهیم که حداقلهایی از خواستههای ما را برآورده سازد، و

متأسفانه چنین شخصی را در بین کاندیداهای تأیید شده سراغ نداریم. حال از کسانی که ما را به مشارکت در انتخابات دعوت میکنند، انتظار داریم تکلیف ما را مشخص سازند. آنها که به هر صورتی میخواهند در انتخابات شرکت کنند، پس از چهار سال اگر در بر همان پاشنه چرخید، آیا ذره‌های شرم خواهند نمود؟

نئولیبرالیسم طرفداران این تز را چنان مقهور ساخته که دیگر اعتقادی به تغییرات بنیادین ندارند و نمیتوانند به اختلاف ساختاری توده‌های مردم با نظام جمهوری اسلامی بیاورند. آنها آنقدر زبون و درمانده گشته‌اند که مجبورند بهجای "انتخاب بهترین گزینه از میان بهتر و بهترین" به "انتخاب بد از بین بد و بدتر" بسنده کنند. اینکه عالیجنابان با هر خفتی تصمیم به شرکت در انتخابات گرفته‌اند، به خودشان برمیگردد. اما اینکه خواهند برای توجیه عمل و یافتن شریک جرمی برای خویش، دیگران و میلیونها ایرانی را متهم سازند و از زدن انگ ناروا ابایی نداشته باشند، دیگر عین وقاحت و پررویی است.

بدتر از همه مایه گذاشتن از بزرگانی چون "مارکس" و "لنین" - در عین ناباوری به آرمانهای این اندیشمندان کمونیست- است. برخورد انتزاعی و فارغ از زمان و خارج از مکان، با رفتار اندیشمندان جنبش کمونیستی اگر از رجالگی آنان نبوده باشد، مطمئناً از عدم درک و شناختشان ناشی میگردد. ملاک ما برای شرکت در انتخابات و یا عدم مشارکت در رایگیری بعنوان رفتاری سیاسی و نه آرمانی در نظامهای طبقاتی صرفاً سود و زیانی است که از این منظر نصیب ما و کارگران و زحمتکشان میگردد. امتناع از شرکت در انتخابات در هر شرایطی را هیچ عقل سلیمی مجاز نمیداند.

کمونیستها اگر کوچکترین امکانی برای مشارکت در انتخابات و معرفی نماینده، و یا حتی امکان استفاده از کارزار انتخاباتی برای اعلام مواضع خود داشته باشند، مطمئناً از این امکان چشم پوشی نخواهند نمود. اگر لنین و بلشویکها در انتخابات دوما شرکت میکنند بایستی بقیه مطلب را هم ذکر کنیم، که همین بلشویکها با استفاده از همین امکان مختصر توانستند نمایندگانی را به پارلمان روسیه کسب کنند، تا تریونی برای اعلام نظراتشان و امکانی برای ارتباط با توده‌ها داشته باشند. یقین که آنروز لنین و یارانش انتظار کسب قدرت از طریق پارلمان را نداشتند. ولی از این امکان برای رساندن پیام خود به توده‌های کار و زحمت، به دهقانان، ملوانان و روشنفکران استفاده نمودند. سؤال ما از این دوستان "لنین شناس" شده، این است که برنامه شما برای حضور در "دوما" چیست؟! در شرایطی که مقربان درگاه ولایت فقیه به خودی و غیرخودی تقسیم گشته و اکثر آنها بواسطه نظر شورای نگهبان از حضور در پارلمان محرومند، شما بدنبال کدامین مفید؟ داشتن نماینده در پارلمان پیشکشان، لاف‌افرازه معرفی کاندیدا را برایتان میدهند تا بدین واسطه از کارزار انتخاباتی برای تبلیغ خواسته‌هایتان و برای ارتباط با توده‌ها استفاده کنید؟

دیده میشود که این آقایان متناسب با مشتری، کالایی در خورچینشان دارند. این حضرات بظاهر ضدامپریالیست و یا دمکرات، که در بین جناحهای حکومتی در بدر دنبال شخصی ضدامپریالیست و یا دمکراسی طلب وقت تلف میکنند. ناموختگانی هستند که تجربهای شکست خورده را صدها بار به امید واهی تکرار میکنند. اینان بسان دزدانی هستند که سالهاست در کویری خشک و لمیزرع برای ربودن صید، ماهیگیری ابله کمین کرده‌اند. اینکه شما از اشخاصی چون خاتمی، کروبی و یا موسوی انتظار فرجی دارید، خرده‌های بر شما نمیگیریم. شما منتظر باشید! ولی خواهش ما از شما اینست که واژه‌ها را لوث نکنید. این مزدوران سرمایه و خادمان بانک جهانی و صندوق بینالمللی پول، این قاتلان هزاران مبارز آزادیخواه را ضدامپریالیست و دمکرات نخوانید. انتظاری چنین از حکومتی که محصول اجماع امپریالیستها در کنفرانس گوادلوپ و توافق آنها با ارتجاعیترین نیروهای جامعه مییاشد، اگر ناشی از بلاهت شما نبوده باشد، مطمئناً امری آگاهانه برای تحقیق توده‌ها از جانب شماست.

جمهوری اسلامی در این سی سال اگر کاری هم نکرده باشد در لوث کردن واژه‌ها دستاوردهای شگرفی داشته است. انتخابات نامیدن به مراسم بیعتی که از هرچهار سال به هر ترفندی صورت میگیرد، تنها توانسته نفس انتخابات و دمکراسی را لوث و خدشه‌دار نماید. کاری که پیش از این با مفهوم شوراها، تعاونیها، و اجرای اصل چهل و چهار قانون اساسی نموده‌اند.

گفتمان مطالبه محور

این رویکرد برآنست؛ از آنجائیکه وضعیت زندگی مردم بحران آفرین بوده و محدودتر شدن آزادی و حقوق بشر را زنگ خطری برای کشور و مردم میبینند. و همچنین به خاطر عملکرد روابط خارجی ماجراجویانه و غیر شفاف و پرهزینهی دولت، منافع ملی را در خطر ارزیابی میکنند. و چشمانداز روشنی برای حل معضلات فوق نمیبینند و شرایط برگزاری یک انتخابات آزاد، سالم و عادلانه را مشاهده نمی‌نمایند. ولی معتقدند، کاهش فشارهای اقتصادی و اجتماعی بر زندگی روزمره مردم از اهمیت بالایی برخوردار بوده و نباید تحقق مطالبات و خواسته‌ها را به اصلاحات بنیادی و تحقق کامل مرحله گذار به دموکراسی موکول کرد.

از نظر آنان تجربه مشارکت بیقید و شرط و غیر برنامه‌های در انتخابات و نیز تحریم مطلق و از ابتدای فرایند فضای انتخاباتی، هیچکدام نتوانسته است به رشد جنبشهای اجتماعی و یا حل معضلات کشور و مردم منجر شود، همچنین بدین سبب که جزء به جزء مطالبات و خواسته‌هایی که مشارکت کنندگان در انتخابات به دنبال تحقق آن و یا اشخاص

گريزان از مشاركت در انتخابات از تحقق آن مابوس بدهاند، مشخص نبوده و اعلام نميشده است. در نتيجه آنان برخورد كنشگرانهي مطالبه محور، با فرايند و فضاى انتخاباتى خواهند داشت تا به تدريج "گفتمان مطالبه محور" را بهجاي مشاركت بيقيد و شرط و نيز تحريم از ابتداى فرايند انتخابات مطرح كنند. آنها اعلام نمودهاند كه از هماکنون تصميم مشتركى براى مراحل بعدى انتخابات اتخاذ نكردهاند، اما در اين مرحله، خواستههاى مشتركشان را اعلام ميدارند. كه متعاقباً ليستى بلند بالا از مطالبات خود را قطار كرده اند.

تهيه كنندگان اين بيانيه سخت تلاش نمودهاند در ويترين خود، تقريباً طيف متنوعى از اصلاح طلبان حكومتى، ملى مذهبي ها، ليبرالها، فعالين ملى- قومى، زنان، دانشجويان، اعضاى كانون نويسندگان و چپ ها را بگنجانند. البته تعدادى از اين افراد با تكذيب امضاى خود از اين راهبرد تبرى جستند. با تمامى اين اوصاف از آنجائيكه ملى مذهبيها نقش اصلى را در تدوين و صدور اين بيانيه داشتند، حضور آنان به همراه بعضى از اصلاحطلبان و اپوزيسيون نيمه قانونى از جمله دانشجويان تحكيم وحدت، نهضت آزادى و جنبش مسلمانان مبارز با برنامههاى مدون در كارزار انتخاباتى، بجاي ضرورى فرد محور، كه براى نخستين بار صورت ميگرفت، خود امرى پسنديده و روبه جلو بوده است. اين حركت حمايت بخش وسيعى از اپوزيسيون خارج از كشور را كه براى تغيير چشم به بالا دوختهاند را به همراه داشت. قبل از هرچيز لازم است به دو پيامد منفى صدور اين بيانيه اشاره كنيم. نخست آنكه اين بيانيه فرصتى را به ليبرالهاى خارج از كشور- و البته داخل كشور- فراهم ساخت تا چند صبايحى مرزها را مخدوش سازند. و دوم آنكه به استناد امضاهاى زير اين بيانيه دوستانى در خارج از كشور فريب خورده و به چشمانشان خاك پاشيده شد.

متأسفانه اين اتحاد و همدلى زياد دوام نياورد. نخست آنكه تعدادى از صاحبان امضاهاى زير اين بيانيه با تكذيب اطلاع خود از چنين امرى رفتار تهيه كنندگان بيانيه را به چالش كشيدند. بعضى از آنها نيز صرفاً بخاطر اينكه امضاهاى زير بيانيههاى قبلى بخصوص در ارتباط با حمايت از زندانيان سياسى، مسائل حقوق بشرى و موارد مشابه زير سؤال نرود از تكذيب آن خوددارى نمودند. اين دوستان بكرات عدم رضايت خود را از چنين رفتارى كه به سوء استفاده سياسى از اعتماد آنان منجر گرديده اعلام نمودند. مهمتر آنكه اكثر امضاء كنندگان بيانيه كه اعلام داشته بودند؛ "از هماکنون تصميم مشتركى براى مراحل بعدى انتخابات اتخاذ نكردهاند." بلافاصله تصميمخود را اتخاذ نموده، و با حضور در انتخابات به نفع يكى از دو كانديدائى اصلاحطلبان حكومتى "كروبى" و "موسوى" موضعگيرى كردند. بدين ترتيب تهيه كنندگان بيانيه خود نخستين كسانى بودند كه به اين طرح پشتپا زده با حمايت غير برنامههاى از كانديداهائى اصلاحطلبان طرح مزبور را به مسلخ بردند. البته بخشى از اين افراد نيز از كارزار انتخاباتى تنها براى اعلام مواضع خود استفاده كرده، و نهايتاً سياست تحريم را پيشه نمودند.

اين بيانيه از دو جهت حائز اهميت بود. نخست آنكه اپوزيسيون ليبرال و نيمه قانونى براى اولين بار در انتخابات بجاي دعوت از مردم براى حضور گلهوار، مطالبات خود را بيان مينمود. دوم آنكه بخشى از تحريمگران نيز بجاي تحريم خاموش و منفعلانه با اعلام خواستههاى خود، عللى را كه موجب عدم حضورشان در پاى صندوقهاى رأى ميگرديد، را با تودههاى مردم در ميان گذاشتند. اگر شروع اينكار نسبتاً موفق بود، ولى در ادامه لنگيد. جناح نخست با به فراموشى سپردن خواستها و گفتمان مطالبه محور، به شخص محورى روى آورده و از ترس انتخاب مجدد احمدبنژاد و با اميدى واهى براى تغيير به خيل انتخاب كنندگان "بد از ميان بد و بدتر" پيوستند. جناح ديگر هم آنگونه كه مطالباتشان را طرح نموده بودند، نتوانستند به همان گستردگى علل عدم حضورشان را كه ناشى از نبود كانديدائى مناسب، كه بتواند براى تحقق خواستها و مطالباتشان تلاش ورزد، را براى تودهها تبیین نمايند. اقدام شخصيتهاى چپ و ديگر نيروهاى ترقىخواه اگر بمنظور استفاده از كارزار انتخاباتى براى بيان نكنه نظراتشان بوده، امرى قابل تعمق است. ولى اين اقدام زمانى ميتوانست صادقانه و دور از شائبه باشد كه آنها بهصراحت اعلام ميداشتند، چون تحقق مطالباتشان توسط كانديداهائى تأييد شده ميسر نيست، فلذا از شركت در رأىگيرى امتناع خواهند نمود.

سازمان فدائيان خلق ايران - اكثريت و حزب توده ايران، دو نيروى عمده چپ كشورمان كه از اين بيانيه استقبال كرده بودند، عليرغم توضيحات مفصل و مكررى كه در بيانيه هاى انتخاباتى خود آوردهاند و بر غير دمكراتيك بودن انتخابات تأكيد نموده بودند. متأسفانه آنها نيز با فراموشى سپردن تأكيدات قبليشان به برنامه كانديداهى و حمايت از گفتمان مطالبه محورى، از ترس انتخاب مجدد احمدبنژاد، با ايماء و اشاره و در لفافه - البته با پيچاندن مطلب و ابهام گويى- مردم را براى رأى دادن به يكى از دو كانديدائى اصلاحطلبان! دعوت نمودند. معلوم نيست جمع اعداد، تأكيد بر غير دمكراتيك بودن و شركت در انتخابات را چگونه توجيه ميكنند. از طرفى ديگر كسانى كه مردم را با ترس انتخاب مجدد احمدبنژاد به مشاركت در انتخابات تشويق ميكنند، با فراموشى سپردن ارکان حاكميت و قدرتى كه در پس دولت احمدبنژاد و دولتهاى قبلى قرار دارند، ميخواهند چنان وانمود كنند كه كانديداهائى اصلاحطلبان اپوزيسيون و مخالفان رژيم جمهورى اسلامى و ولايت فقيهاند. ترفندى كه خاتمى هشت سال بكار گرفت.

نه رفقا! بياييد به شعور مردم اهانت نمائيم. احمدى نژاد و ديگر كانديداهائى از جمله موسوى و كروبى خادمان درگاه ولايت و تداركاتچيان رهبرند. تنها تفاوت آن ها در اين است كه احمدى نژاد صراحتاً به بندگى خود اذعان دارد، در حالى كه آن دو ميخواهند عليرغم اداى حق بندگى در درگاه ولايت، مردم بگونه اى ديگر بيانديشند!!! تفاوت اينان در حد خيار

درختی و خیار جالیزی است، که از قضاء هردو به بی خاصیتی مشهورند.

تحریم

طرفداران تحریم، که افشار وسیعی از جامعه را در برمیگیرند، خود به طیفهای مختلفی تقسیم میشوند. درصد تقریباً ثابتی

از جامعه از اوایل انقلاب رغبتی به مشارکت سیاسی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی نداشتند. این طیف ترجیح میدهند در روز انتخابات در خانه بنشینند، و یا این روز را که از قضاء با روز تعطیلی مصادف است، در خارج از شهر و به دور از غوغای انتخاباتی سپری کنند. بخش عمدهای از تحریمگران نیز که به سرنوشت سیاسی خود و کشورشان علاقمندند، با تحریم سیاسی در کارزار انتخاباتی مشارکت مینمایند. گروهی از جریانات و اشخاص سیاسی تحریم کننده بدون آنکه نیازی به وارد شدن به بحثهای انتخاباتی ببینند، انتخابات را تحریم کرده و از موقعیت و امکانی که برای نقد موضوع انتخابات و مقوله دمکراسی در جمهوری اسلامی و خود جمهوری اسلامی بوجود آمده، خود را محروم میسازند. تحریم کلیشهای و منفعلانه این جریانات موجب انزوای سیاسی آنان در بین تودهها خصوصاً در میان جوانان گردیده است.

اما هستند کسانی بدون آنکه به انزوا و دوری از تودهها دچار شوند، با انگشت گذاشتن بر روی خواستههای افشار مختلف جامعه و تشریح سترونی جمهوری اسلامی و ظرفیتهای ناچیز کاندیداهای مورد تأیید آن، سعی در ارتقاء آگاهیهای مردم و گسترش ارتباط خود با لایههای مختلف جامعه دارند. آنها میخواهند بدون آنکه تفاوتهای کاندیداهای مختلف را انکار نمایند. علل عدم توانایی آنان در برآورده ساختن خواستههایشان را به مخاطبین خود تشریح نمایند. شاید بزرگترین حسن نمایش انتخاباتی رژیم، امکانی است که از هر چهار سال یکبار برای افشای نظام جمهوری اسلامی و گرداندگان آن پیش میآید، نایستی این فرصت را به آسانی از دست بدهیم. طیف وسیعی از کارگران، زنان، دانشجویان و فعالین چپ داخل کشور مخالف مشارکت در انتخابات و حتی طرح مطالبه محور میباشند. هیاهوی تبلیغاتی و شانتاژهای اطلاعاتی سعی در خفه ساختن فریاد میلیونها هموطن ما را دارد. ما که خود را در زمره این طیف بشمار میآوریم، بر این اعتقادیم که:

- جمهوری اسلامی نظامی غیر قابل اصلاح است. با این حال مبارزه برای کسب امتیازاتی هر چند کوچک از این رژیم امری ضروری و لازم است. اما این امر نایستی به سازش و انحراف مبارزات تودههای کار و زحمت برای یورش به بنیانهای نظام سرمایهداری و حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی منجر شود. ضمن آنکه دستیابی بدین مهم، نه از طریق چابکدستی در بالا، بلکه از طریق جنبشهای تودههای و صنفی و سیاسی کارگران و زحمتکشان و روشنفکران ترقیخواه میسر است. باور کنیم که راه میانبری وجود ندارد، و سادهلوحانه خواهد بود که فکر کنیم عوامل جمهوری اسلامی چه اصلاحطلب و چه اصولگرا، در راه دستیابی به خواستههای دمکراتیک از طرف ما هزینه پرداخت خواهند نمود. نه رفقا باید خود جور هندوستان کشیده و هزینه پرداخت کنیم. برای ما که دستی در قدرت نداریم، تنها و تنها سازماندهی جنبشهای مردمی بر بستر جنبشهای اجتماعی، برپایی تشکلهای تودههای و اتحادیه های کارگری، و ایجاد پیوند و هماهنگی بین آنها، چاره کار میباشد.

- وظیفه نیروهای چپ، دمکرات و ترقیخواه رهانیدن جمهوری اسلامی از دست جمهوری اسلامی نیست. در این مقطع از تاریخ کشورمان که جنبشهای اجتماعی و اعتراضات کارگری، دانشجویی، زنان و... در حال گسترش و بحران درونی حاکمیت رو به تشدید است، ما تنها میتوانیم با شرکت در کارزار انتخاباتی و افشای خیمهشب بازی انتخاباتی رژیم، آگاهی مردم را برای رأی ندادن، و راهکارهای دستیابی به اهداف دمکراتیک و صنفیشان را ارتقاء بخشیم. کاری که دانشجویان آگاه و مبارز در حال اجرای آن میباشند.

- تحریم انتخاباتی منفعلانه تأثیری در ارتقاء مبارزات خلقهای کشورمان نخواهد داشت. ضمن شرکت در کارزار انتخاباتی و حضور در گردهمآییها و میتینگهای انتخاباتی، کاندیداهای تأیید صلاحیت شده را به چالش بکشیم. با طرح خواستههای مردم ناکارآمدی کاندیدها و نظام جمهوری اسلامی را برملا سازیم. از کاندیدها بخواهیم نقش خود را در سرکوبهای دهه شصت توضیح دهند، و نسبت به نقض حقوق بشر و آزادیهای فردی در جمهوری اسلامی طی سی سال گذشته، اعدامها، نقض حقوق زنان و کودکان و ملیتها، سلب حقوق کارگران و زحمتکشان اعلام موضع نمایند. باید با طرح سؤال و آگاهی رسانی ماهیت مشترک جمهوری اسلامی و کاندیداهای مورد تأییدش را افشا ساخت. کاری که کارگران سندیکای شرکت واحد، زنان و دانشجویان میکنند. با این توضیحات و ارتباط منطقی با تودهها و داشتن صراحت و صداقت در بیان اهداف خویش است که میتوانیم از مردم بخواهیم همگام با ما انتخابات را تحریم کنند و متقابلاً همراهی آنان را انتظار داشته باشیم.

با حضور پرشور و متحد در کارزار انتخاباتی و با دعوت از مردم برای تحریم فعال و آگاهانه انتخابات، رژیم جمهوری اسلامی و کاندیداهای مورد تأییدش را افشاء سازیم!

جمعی از هواداران سازمان فداییان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)

۱۳/۳/۱۳۸۸